

نفت، مالیات و طرح تحول اقتصادی

به مالیات ۳ درصدی معروف شد. انجامید و با این که مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و ریاست جمهوری از آن حمایت کردند با مقاومت مردم اصفهان، تبریز، تهران و مشهد روبه‌رو شد و کار به جای باریکی می‌کشید که به‌طور غیرقانونی از اجرای این قانون عقب‌نشینی شد.

علل و عوامل این ناکامی تا آنجا که قلم مطبوعاتی باری می‌کرد در سرمقاله شماره ۵۳ نشریه چشم‌انداز ایران به نام «گذار از نفت به مالیات» آمده است، نباید فکر کنیم مشتی سرمایه‌اندوز از خدایی خیر با مالیات بر ارزش افزوده مخالفت و مقاومت کردند، بلکه انجمن‌های اسلامی بازار، افراد جنگ و جبهه و خانواده‌های شهدا نقش زیادی داشتند. در «گذار از نفت به مالیات»، پیشنهادهایی شده بود و پیش‌بینی‌هایی، که اگر این گذار بخواهد در فضای امنیتی-نظامی انجام گیرد و نه

در فضای سیاسی-قانونی و همراه با رضایت مردم، طبیعی است که نه تنها موفق نخواهد شد، بلکه با شورش‌های مردم هم روبه‌رو خواهیم شد.

علت اصلی علاقه‌مندی مرحوم مهندس بازرگان به مرحوم دکتر مصدق این بود که در شرایط بی‌نفتی دوران ملی شدن نفت در پرتو مدیریت دکتر مصدق و آزادی‌های قانونی، بازاری‌ها و طلبانه‌ها صف می‌کشیدند تا مالیات بردارند، اما در شرایط موجود می‌بینیم که حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی روحیه مالیات‌گریزی دارند.

به نظر می‌رسد باید تدبیری اندیشیده شود و فشار سیاسی-قانونی کرد تا عنصر مهم اعتماد مردم را به دست آورد.

مقام‌های مالیاتی کشورمان دوباره با

در نشریه شماره ۳۴ چشم‌انداز ایران مقاله‌ای با عنوان «علمی کردن صنعت نفت» نوشته شد که ای کاش بذل توجهی به مطالب آن می‌شد. از سوی کارشناسان صنعت نفت و توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره چشم‌انداز مخازن زیرزمینی نفت کارهای کارشناسی زیادی انجام گرفته و این اطمینان است که این کارهای کارشناسی شده در اختیار مقام رهبری هم قرار گرفته است.

کارشناسی این کارشناسان نشان می‌دهد تا چند سال دیگر کار به جایی می‌رسد که حتی نفت خام هم باید وارد کنیم، چرا که روند افزایش جمعیت، روند افزایش الگوی مصرف، روند افت فشار مخازن و روند کاهش سرمایه‌گذاری همراه با تکنولوژی همه دست به دست هم داده تا مملکت را با این فاجعه روبه‌رو کرده و این در حالی است که از روند آلوده کردن محیط زیست و خطرات مترتب بر آن صحبتی

به میان نیاورده‌ایم. از آنجا که مسئولان مملکت از رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه در حال رفت و آمد هستند، طبیعی است که مقام رهبری که عنصر پایدار نظام هستند نسبت به چشم‌انداز ایران بدون نفت و یا واردات نفت خام، حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته باشند، چرا که ایران با روندهای پنج‌گانه فوق، یعنی بدون درآمد ناشی از صادرات نفت خام - اگر نگوییم با فروپاشی - با بحران فلج‌کننده‌ای روبه‌رو خواهد شد. به نظر می‌رسد نخستین تدبیری که برای رویارویی با این بحران اندیشیده شد نه علمی کردن صنعت نفت، بلکه اداره ایران بدون درآمد نفت، با افزایش مالیات‌ها از ۷ درصد به ۲۰ درصد بود که این روند افزایش مالیات‌ها به قانون مالیات بر ارزش افزوده - که

این را بدانیم که مخازن نفت ما پایان پذیرست، معادن اورانیوم دنیا بویژه ایران پایان پذیرست، بنابراین باید به سوی تکنولوژی انرژی خورشیدی، بادی و دیگر انرژی‌های نو گام برداشت که پایان ناپذیرند. دنیای امروز از نظر حیاتی و استراتژیک دنیای تنوع منابع انرژی است. دنیای امروز دنیای محیط‌زیست سالم و دنیای ارتباطات است و مردم رانمی‌توان در بی‌اطلاعی نگه‌داشت

اعتصاب ده روزه بازاریان تهران و تبریز روبه رو شدند. این نمونه‌ها سیگنال‌هایی هستند که باید به آن به گونه‌ای دیگر نگریست. این نگاه چیزی جز بازگشت به قانون اساسی برآمده از دین و انقلاب؛ انقلابی توحیدی، مردمی و اسلامی نیست. بازگشتی به دستاورد بومی خود که نه بوی وابستگی می‌دهد و نه بوی براندازی.

در چنین شرایط رکود و بی‌اعتمادی چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد مقام رهبری به‌عنوان عنصر پایدار نظام و برای حفظ آن از طرح تحول اقتصادی، یعنی حذف یارانه‌های ۹۰ میلیارد دلاری و پرداخت یارانه نقدی به جای آن، حمایت کرده‌اند. اگر حذف یارانه‌های ۹۰ میلیارد دلاری بخواهد به درآمدی برای نظام تبدیل شود تا ایران بدون نفت و مالیات اداره شود بدون تردید باید اعتراف کرد که نظام، حمایت‌های مردمی خود را بیش از پیش از دست خواهد داد...

باید توجه کرد بوروکراسی در حال گسترش ۴ میلیون نفره اجازه نخواهد داد - آن هم با اندیشه حفظ نظام - گامی در جهت سفره‌های مردم بردارد.

با علمی کردن صنعت نفت دلیلی برای گذار از نفت نیست و اجرای قانون اساسی و دستیابی به فضای سیاسی - قانونی دلیلی برای

گذار از مالیات نیست، اما حال که مملکت به سوی حذف یارانه‌های ۹۰ میلیارد دلاری پیش می‌رود پیشنهاد می‌شود با پرهیز از پوپولیسم و کسب آرای مردم، با کمک درآمد نفت و یارانه‌ها به طرحی بنیادی و توسعه پایدار بپردازیم.

ایس‌رابداتیم که مخازن نفت ما پایان پذیرست، معادن اورانیوم دنیا بویژه ایران پایان پذیرست، بنابراین باید به سوی تکنولوژی انرژی خورشیدی، بادی و دیگر انرژی‌های نو گام برداشت که پایان ناپذیرند. دنیای امروز از نظر حیاتی و استراتژیک دنیای تنوع منابع انرژی است. دنیای امروز دنیای محیط زیست سالم و دنیای ارتباطات است و مردم را نمی‌توان در بی‌اطلاعی نگه داشت.

دولت او با ما حمایت کامل و با شتاب و ادعای دو میلیون اشتغال و محیط زیست سالم به سوی انرژی خورشیدی می‌رود و ما نباید از این تجربه بشری غافل باشیم. آیا درست است که ایران بدون نفت و بدون انرژی نو دست‌گدایی به سوی امریکا دراز کرده و از آن کشور، تکنولوژی انرژی خورشیدی طلب کند؟ تا زمانی که از درآمد نفت محروم نشده‌ایم، چرا به سوی این توسعه پایدار نمی‌رویم؟ چرا کشور بارانی و ابری آلمان باید هم اکنون ۳۶ درصد مصرف انرژی خود را از انرژی‌های پایان ناپذیر و نو بگیرد و چندی بعد میزان آن را به ۶۰ درصد برساند، اما کشور ما با این همه کویرهای پر آفتاب و مناطق پر باد نتواند گام مهمی در این راه بردارد!

مخازن زیرزمینی نفت مانیمه دوم عمر خود را طی می‌کند و به سوی پایان پذیری است، ولی دنیای غرب به دلیل خطرات انسانی و محیط زیست و به دلیل ترک وابستگی به کشورهای اسلامی و عربی نفت خیز، در حال نو کردن انرژی خود

هستند

این مسئله دیگر «رؤیای ملک» در سوره یوسف و تأویل حضرت یوسف نیست، بلکه داستان مخازن زیرزمینی نفت است که با همه تاریکی‌اش در قعر زمین از خورشید روشن ترست.

بررسی‌های «اقتصاد ایران» حکایت از آن دارند که در خلال سال‌های گذشته، هر چه درآمدهای نفتی افزایش یافته‌اند، بودجه هم نفتی تر شده است. (اقتصاد ایران، مرداد ۱۳۸۹)

تلاش امارات در کمرنگ کردن نقش تنگه هرمز در مبادلات جهانی نفت خام

از قرار آنچه در نشریه اقتصاد انرژی شماره ۱۲۷ با عنوان «تلاش امارات در راستای کمرنگ کردن نقش تنگه هرمز در مبادلات جهانی

نفت خام» آمده از این امر حکایت می کند که در اوایل سال ۲۰۱۱ خط لوله نفتی ۳۶۰ کیلومتری «میدان حبشه-بندر فجیره» با ظرفیت ۱/۵ میلیون بشکه در روز و ظرفیت نهایی ۱/۸ میلیون بشکه در روز نفت را از میدان حبشه امارات به منظور صادرات به بندر فجیره منتقل می کند. گفته می شود مقام های امارات سعی دارند اهمیت بندر فجیره را به تدریج به پای اهمیت بندر تر دام در هلند برسانند.

در پایان آقای علی خواجهی نویسنده این مقاله دغدغه و نگرانی راهبردی خود را به شرح زیر بیان داشته:

عربستان سعودی نیز به تحریک برخی کشورهای غربی به دنبال پیاده کردن طرح هایی این چنینی هستند که در صورت به ثمر رسیدن این طرح ها، جایگاه ایران در منطقه و همچنین هزینه برخورد با ایران بسیار کاهش پیدا خواهد کرد، از این رو ضروری است که دستگاه دیپلماسی کشور با هوشیاری کامل برای حفظ این موقعیت استراتژیک که برای ایران فواید بسیار مهم امنیتی، اقتصادی-سیاسی به همراه دارد، اقدام های پیشگیرانه ای را طراحی کند.

رقیب پیشتر اول!

(اقتصاد ایران، مرداد ۱۳۸۹)

وال استریت ژورنال: براساس پیش بینی آژانس بین المللی انرژی (IEA)، ظرفیت تولید نفت ایران تا سال ۲۰۱۵ با کاهش حدود ۱۸ درصدی - معادل ۷۰۰ هزار بشکه در روز - به ۳/۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، ولی عراق به دلیل در اختیار داشتن منافع عظیم نفتی - که از این نظر پس از عربستان، کانادا و ایران در رتبه چهارم قرار دارد - در حال حاضر مرکز سرمایه گذاری شرکت های بزرگ نفتی شده

است. اگر پیش بینی IEA در مورد ایران تحقق یابد و نیز ارزیابی ها در مورد افزایش تولید نفت عراق دقیق باشند، تولید جمهوری اسلامی ایران در مدت پنج سال برای نخستین بار در سه دهه گذشته، از عراق عقب خواهد افتاد. این مسئله در نهایت سهمیه تولید ایران را در اوپک محدود خواهد کرد که این امر به معنای درآمد کمتر برای این کشور وابسته به نفت است.

... ایران به تازگی به منظور توسعه پروژه های صادرات گاز خود قراردادهای آزمایشی با ترکیه و برزیل به امضا رسانده و میلیارد دلار سرمایه گذاری در حفاری های نفتی از سوی شرکت های چینی جذب کرده است. همچنین ایران به تازگی در حال حفار چاه های جدیدی است که به طور طبیعی کاهش تولید را جبران می کنند.

ارزش افزوده نفت خاورمیانه

(اقتصاد ایران، مرداد ۱۳۸۹)

مدیر پژوهش و توسعه شرکت ملی نفت ایران در مراسم آغاز به کار نخستین نمایشگاه افزایش توانمندی های ساخت داخل در طرح های پارس جنوبی گفت: ارزش افزوده یک بشکه نفت در کشورهای توسعه یافته، بیش از پنج برابر ارزش افزوده آن در خلیج فارس است.

محمد علی عمادی ارزش نفت تولیدی را در خاورمیانه بر پایه ۴۵ دلار ارزیابی کرد و افزود: ارزش افزوده ای که از فروش هر بشکه نفت در این منطقه احراز می شود حدود ۳۰ دلار است، در حالی که شرکت های بزرگ نفتی و کشورهای توسعه یافته تا ۱۷۰ دلار از فروش هر بشکه نفت، ارزش افزوده ایجاد می کنند که حاصل زنجیره ارزش از طراحی تا بهره برداری و مدیریت است.

ژاک دریدا: ایده آلیست یا واقعگرا

نویسنده: تیموتی مونی و کوین مولینگن

ناشر: فرهنگ صبا، چاپ اول ۱۳۸۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان، تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۹۸۲۹۳

احتمالاً کسی منکر این نیست که ژاک دریدا از بزرگترین فلاسفه دوران معاصر است. آثار بی شمار او درباره موضوع های گسترده، همه گیر شدن اصطلاحات به کار رفته در آثار او و بحث های فراوان درباره نظرات او از جمله دلایلی است که باعث شده به دریدا به مثابه فیلسوفی کلاسیک نگریسته شود. از این رو امروزه هر نظریه پرداز، در فضای فلسفه قاره ای یا حتی بیرون از آن، راهی ندارد جز این که موضع خود را در جهان دریدایی مشخص کند. پدید آورندگان این کتاب، فلاسفه جوانی هستند که به گفت و گویی غیر مستقیم حول نظرات دریدا، بویژه خوانش او از هوسرل در کتاب «آوار و پدیدار» پرداخته اند. مطالعه این کتاب به فهم آرای هوسرل، دریدا و مؤلفان کتاب به طور همزمان کمک می کند و جدا از اینها دارای یک بحث فلسفی جدی است که نمایانگر فضای فکری سال های اخیر دانشکده های فلسفه اروپاست.

ژاک دریدا ایده آلیست یا واقعگرا

